

فلسفه تفاوت انسان‌ها از نظر روحی و جسمی

یکی از نشانه‌های علم و قدرت خداوند که تداوم حیات اجتماعی بشر مدیون آن است، تفاوت انسان‌ها از جهت‌های گوناگون است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ
وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت زبانها و رنگ‌های شماست؛ همانا در این مطلب نشانه‌هایی است برای عالمان.

همان‌طور که اگر صورت انسان‌ها شبیه یکدیگر بود، نظام اجتماعی از هم می‌پاشید، اگر توانایی‌های روحی، سلیق، استعدادها و علایق انسان‌ها نیز یکسان بود، موجب اختلال نظام اجتماعی می‌شد؛ بنابراین، تفاوت انسان‌ها امری لازم و ضروری است و خداوند با علم و حکمت خود، آن را ایجاد کرده است.

به عبارت دیگر: اگر همه انسان‌ها از نظر هوش و استعداد روحی و جسمی یکسان باشند، هرگز نظامات اجتماعی سامان نمی‌یابد، همان‌گونه که اگر سلول‌های تن انسان از نظر ساختمان و ظرافت و مقاومت، شبیه هم بودند، نظام

جسم انسان مختل می‌شد. سلول‌های بسیار محکم استخوان پاشنه پا کجا و سلول‌های ظریف شبکه چشم کجا؟ هر کدام از این دو، وظیفه‌ای دارند که بر طبق آن ساخته شده‌اند.

زندگی بشر یک زندگی دسته‌جمعی است و اداره این زندگی جز از طریق تعاون و خدمت متقابل امکان‌پذیر نیست. اگر همه مردم در یک سطح از نظر زندگی و استعداد و در یک پایه از نظر مقامات اجتماعی باشند، اصل تعاون و خدمت به یکدیگر و بهره‌گیری هر انسانی از دیگران متزلزل می‌شد. البته نباید این تفاوت، افراد توانمند را بفریبید و آن را معیار ارزش‌های انسانی پندارند:

﴿أَلَمْ يَسْمُونا رَحْمَةً رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمنا بَينَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَياةِ
الدُّنْيا وَرَفَعنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً
سُخْرِيًّا وَرَحْمَةً رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾^۱

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده [و با هم تعاون نمایند] و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است.

تسخیر در آیه شریفه به معنی بهره‌کشی ظالمانه نیست؛ بلکه منظور استخدام عمومی مردم نسبت به یکدیگر است؛ به این معنی که هر گروهی امکانات، استعدادها و آمادگی‌های خاصی دارند که در یک رشته از مسائل زندگی می‌توانند فعالیت کنند، طبعاً خدمات آنها در آن رشته در اختیار دیگران قرار می‌گیرد، همان‌گونه که خدمات دیگران در رشته‌های دیگر در اختیار آنها قرار خواهد

گرفت. خلاصه آنکه استخدامی است متقابل و خدمتی است طرفینی و به تعبیر دیگر: هدف، تعاون در امر زندگی است و نه چیز دیگر.

مثال روشنی که برای این موضوع می‌توان گفت، همان استخدام متقابلی است که در دستگاه تنفس، گردش خون، تغذیه و سایر دستگاه‌های بدن انسان است که مصداق روشن **﴿لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا﴾** است، منتها در شعاع فعالیت‌های داخلی بدن. آیا چنین تسخیری می‌تواند اشکال داشته باشد؟

و اگر گفته شود: جمله **﴿وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ﴾** دلیل بر عدم عدالت اجتماعی است، می‌گوییم: این در صورتی است که عدالت به معنی مساوات تفسیر شود، در حالی که حقیقت عدالت آن است که هر چیز در یک سازمان در جای خود قرار گیرد، آیا وجود سلسله مراتب در یک لشکر یا یک سازمان اداری و یک کشور، دلیل بر وجود ظلم در آن دستگاه است؟

ممکن است افرادی در مقام شعار، کلمهٔ مساوات را بدون توجه به مفهوم واقعی آن در همه‌جا به کار برند؛ ولی در عمل هرگز نظم بدون وجود تفاوت‌ها امکان‌پذیر نیست. البته وجود تفاوت‌ها نباید بهانه‌ای برای استثمار انسان به وسیلهٔ انسان گردد، همه باید آزاد باشند که نیروهای خلاق خود را به کار گیرند، نبوغ خود را شکوفا سازند، از نتایج فعالیت‌های خود بی‌کم و کاست بهره‌گیرند و در مورد نارسایی‌ها باید آنها که قدرت بیشتر دارند برای برطرف ساختن آن بکوشند. خلاصه اینکه خداوند هیچ انسانی را بر انسان‌های دیگر در تمام جهات امتیاز نبخشیده؛ بلکه این جمله اشاره به امتیازهای مختلفی است که هر گروهی بر گروه دیگر دارد و تسخیر و استخدام هر گروه نسبت به گروه دیگر درست از همین امتیازات سرچشمه می‌گیرد و این عین عدالت، تدبیر و حکمت است.^۱

به هر حال بخشی از تفاوت انسان‌ها از نظر بهره‌مندی‌های مادی و معنوی به تفاوت آنها از نظر توانایی جسمی و روحی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ
وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾^۱

بنگر تا ما چگونه [در دنیا] بعضی مردم را بر بعضی فضیلت و برتری بخشیدیم [تا بدانی که] البته مراتب آخرت بسیار بیش از درجات دنیاست و برتری خلایق بر یکدیگر به مراتب افزون از حد تصور است.

و بخشی دیگر به تفاوت آنان از نظر کوشش در کار و تلاش است:

﴿وَأَنْ تَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾^۲

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

نکته‌ای که لازم به یادآوری است این است که تفاوت‌های خدادادی نباید منجر به استثمار دیگران و تسخیر ناروای آنها شود. از طرف دیگر، اسلام مواسات و ایثار در حق دیگران را لازم شمرده است و اگر دستورات شرع مقدس رعایت شود، فاصله‌ها زیاد نخواهد شد و آرامش اجتماعی به هم نمی‌خورد.

۱. اسراء: ۲۱.

۲. نجم: ۳۹.